

تاریخ وصول: ۱۳۹۴/۰۷/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۹/۱۱

نقش و جایگاه احزاب سیاسی در حکومت اسلامی

۱۱۵

دوفصلنامه مطالعات
حقوق بشر اسلامی

عباس کعبی و همکار
نقش و جایگاه احزاب سیاسی در حکومت اسلامی

عباس کعبی^{*۱}
علی فتاحی زفرقندی^{*۲}

۱. فقیه و استادیار موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم، ایران.

۱. کارشناس ارشد حقوق عمومی، دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران.

چکیده

احزاب سیاسی به مثابه چرخ‌دنده‌های مردم‌سالاری در نظام‌های سیاسی معاصر به شمار می‌رود و نقش و کارکردهای فراوانی در فرآیند شکل‌گیری و چرخش قدرت ایفا می‌نماید. از همین رو بررسی و تحلیل جایگاه و نقش احزاب سیاسی در حکومت مبتنی بر آموزه‌های شریعت که وظیفه‌ی اصلی خویش را اجرای فرامین و دستورات الهی قرار داده است، امری ضروری به نظر می‌رسد. بر این اساس مقاله‌ی حاضر به دنبال پاسخ‌گویی به این پرسش بنیادین است که جایگاه و نقش احزاب در حکومت اسلامی چیست؟

با نگاهی به آموزه‌های شریعت اسلام می‌توان دریافت که مفهوم، جایگاه و نقش احزاب در اندیشه‌ی اسلامی با مفهوم، جایگاه و نقش حزب در اندیشه‌ی لیبرال دموکراسی متفاوت بوده و وظیفه‌ی اصلی احزاب در حکومت اسلامی به عنوان پدیده‌ای نوظهور، ایجاد ساختارهای تشکیلاتی به منظور اجرای شریعت اسلام است.

واژگان کلیدی: حزب سیاسی، نظام سیاسی لیبرال دموکراسی، حکومت اسلامی، قدرت سیاسی.

Email:

* ایمیل نویسنده:

مقدمه

امروزه احزاب سیاسی به واسطه کارکردهای فراوانی مانند ایجاد توسعه سیاسی، افزایش مشارکت‌های مردمی و تحقق ثبات و پایداری در نظام‌های سیاسی و ... که در جوامع مردم سالار از خود بر جای گذاشته‌اند به عنوان چرخ دنده‌های نظام دموکراسی شناخته می‌شوند. رشد و گسترش دامنه حزب به عنوان یکی از اجزای جدایی‌ناپذیر از ساختار سیاسی جوامع مدرن ریشه در سده‌های اخیر دارد و به عنوان مولود وقایعی مانند رنسانس و مدرنیته محسوب می‌رود.

بر این اساس مطالعه‌ی جایگاه و نقش احزاب سیاسی در حکومت‌های اسلامی که مبتنی بر آموزه‌های شریعت اسلام تشکیل می‌گردد، امری ضروری به نظر می‌رسد. از همین رو پژوهش حاضر به دنبال پاسخ‌گویی به این پرسش بنیادین است که جایگاه و نقش احزاب در حکومت اسلامی چیست؟ آیا احزاب سیاسی در نظام‌های اسلامی، همان کارکرد، جایگاه و نقشی را دارند که احزاب سیاسی در جوامع غربی دارا می‌باشند و یا این که باید به دنبال تعریف کارکردهای متفاوتی مبتنی بر اوامر و دستورات الهی برای تشکیلات حزب در حکومت‌های اسلامی بود؟

در این راستا مقاله‌ی پیش‌رو ابتدا به بررسی مفهوم حزب در ادبیات حقوقی و سیاسی معاصر می‌پردازد، سپس مبانی و کارکردهای تشکیل احزاب سیاسی در نظام‌های سیاسی مبتنی بر اندیشه‌ی دموکراسی را مطالعه می‌نماید، پس از آن رویکردهای موجود در میان فقهای مسلمان نسبت به احزاب غربی را بررسی می‌کند و در پایان نیز ویژگی احزاب در حکومت اسلامی را تحلیل می‌نماید.

۱- چارچوب مفهومی

اولین گام در یافتن پاسخ پرسش اصلی پژوهش حاضر، درک دقیق از ابعاد گوناگون مفهوم حزب در ادبیات حقوقی و علوم سیاسی معاصر است.

لغت حزب در زبان فارسی در مفهوم گروه، دسته، جماعت، دسته و فرقه سیاسی که در امور اجتماعی نظرهای خاص به یک طبقه را تعقیب می‌کند استفاده می‌گردد. (دهخدا، ۱۳۷۷، حزب). این واژه معادل کلمه "party" در زبان انگلیسی می‌باشد. (آریانپور کاشانی، ۱۳۷۲، party) در زبان عربی نیز لغت حزب دارای ریشه حبشی است. راغب اصفهانی حزب را گروه و جماعتی می‌داند که با شور و حماسه از آرمانهای مشترک خود دفاع می‌کنند. (راغب، ۱۴۱۲، ۲۳۱)

از اصطلاح حزب سیاسی در علم حقوق و علوم سیاسی تعاریف متعددی ارائه گردیده است و هر اندیشمندی بر اساس شرایط و عقاید خود به بیان مفهوم حزب پرداخته است. برای نمونه لنین حزب را گروه کوچکی از افراد قابل اعتماد، با تجربه و معتقد به اصول انقلاب می‌داند که دارای نمایندگان مسئول و وظیفه شناس در نواحی مهم کشور است و تشکیلات و فرد با یکدیگر روابطی مخفیانه دارند. (محمدی نژاد، ۱۳۵۵، ۳۴). از دیدگاه اقتصادی، مارکس ویر حزب را به بنگاهی بازرگانی تشبیه می‌کند و می‌گوید: «حزب عبارت از گروه سازماندهی شده افراد حرفه ای است که اعضایش برای دست‌یابی به قدرت و نمایندگی‌های سیاسی درنبرد می‌باشند.» (علی بابایی، ۱۳۸۳، ۲۵۳). لاپالامبارا و واینر با نگاهی به ساختارهای تشکیلاتی احزاب سیاسی تعریف خود را با ذکر چهار ویژگی ساختاری حزب بیان نمودند. آن‌ها معتقدند هر تشکیلاتی برای حزب شدن نیازمند به این خصوصیات است: ۱- حزب تشکیلاتی است که دارای سازمانی مستمر و دایم است که در فقدان بنیانگذارانش به حیات خود ادامه می‌دهد. ۲- سازمان حزب باید دارای شعبه‌های محلی باشد و درسطوح ملی گسترده شود. ۳- تصمیم گیران اصلی حزب به دنبال کسب قدرت سیاسی می‌باشند. ۴- به دنبال گسترش پایگاه مردمی خود در سطح جامعه هستند (نقیب زاده و سلیمانی، ۱۳۸۸، ۳۴۷). دکتر عبدالرحمن عالم نیز در تعریف خود از احزاب سیاسی می‌گوید: حزب گردهمایی پایدار گروهی از مردم است که دارای عقاید مشترک و تشکیلات منظمی هستند به دنبال کسب قدرت سیاسی از طریق قانونی با استفاده از پشتوانه‌های سیاسی می‌باشند (عالم، ۱۳۹۰، ۳۴۵). بنابر تعریف دیگری می‌توان گفت حزب گروهی است که هدف آن، دخالت در اداره امور کشور است و اعضای حزب تابع نظامات خاص آن می‌باشند. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۱، ۱۸۳)

با استناد به تعاریف فوق و تعاریف دیگر مطرح شده پیرامون حزب و وجوه مشترک آن‌ها و با توجه به اختلاف دیدگاه‌ها و عقاید می‌توان با نگاهی به رویکردهای گوناگون به حزب، آن را این گونه تعریف نمود «حزب سیاسی مجموعه ای متشکل از افرادی است که :

۱- از نظر ساختاری دارای سازمانی مستمر و بادوام باشد که بتواند عمری طولانی‌تر از بنیان‌گذارانش داشته و غالباً علاوه بر مرکز سیاسی، شعباتی نیز در سطح کل کشور داشته

باشد.

۲- از نظر کارکردی، درصدد جلب مشارکت عمومی و دستیابی به سمت‌های دولتی باشد.

۳- از نظر اهداف، دارای برنامه‌ها و طرح‌هایی باشد که از طریق آن اقبال رأی‌دهندگان را کسب و قدرت‌طلبی خود را توجیه نماید. (ایوبی، ۱۳۹۰، ayyoobi.com)

۲- کارکردهای احزاب سیاسی در نظام‌های لیبرال دموکراسی

هر چند کار تشکیلاتی در طول تاریخ زندگی اجتماعی بشر، دارای سابقه‌ی گسترده‌ای می‌باشد که می‌توان به تشکل‌هایی همچون قیام مزدک در قرن پنجم قبل از میلاد، قیام عباسیان علیه حکومت بنی‌امیه و جمع‌آوری عقاید متعدد توسط افرادی مانند ابومسلم خراسانی تحت بیرق بنی‌عباس و نهضت‌های شکل‌گرفته در ایران علیه حکومت‌های اموی و عباسی به عنوان نمونه‌ای از آن‌ها یاد کرد اما سابقه‌ی تشکیل احزاب سیاسی متناسب با تعریف ارائه شده از حزب، به اواخر قرن هفده و اوایل قرن هجده میلادی و کشور انگلستان باز می‌گردد. (ایوبی، ۱۳۹۰، ayyoobi.com) با این نگاه احزاب سیاسی به مثابه چرخ‌دنده‌های نظام‌های مبتنی بر لیبرال دموکراسی محسوب می‌گردد که می‌توان برای آن کارکردهای فراوانی را مانند ایجاد ثبات در نظام‌های سیاسی، افزایش مشارکت عمومی، تحقق حلقه واسط میان مردم و حکومت، جامعه‌پذیری مردم و جلوگیری از خشونت‌های اجتماعی، ایجاد رقابت در فضای سیاسی جامعه و رقابتی نمودن عرصه انتخابات، عقل‌گرایی جمعی، تحقق تکثرگرایی در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی متصور شد. (ذوالفقاری، ۱۳۹۱، ۵۴- و حیدریان، ۱۳۸۹، ۴-۱۴) که از جمله‌ی مهم‌ترین این کارکردها، عبارت‌اند از:

۲-۱- احزاب حلقه‌های واسط میان حکومت و مردم:

یکی از بارزترین خصوصیات نظام‌های دموکراتیک ارتباط مستمر با مردم، شناسایی نیازها و تصمیم‌گیری بر اساس مطالبات مردمی می‌باشد. حزب به عنوان نهادهای قانونی غیر حکومتی که در عرصه‌های سیاسی به فعالیت می‌پردازند و یکی از اهداف اساسی آن‌ها جلب مشارکت همگانی مردم می‌باشد بهترین مسیر برای ارتباط سازنده مسئولین با توده‌های مردم است. احزاب به علت نزدیکی با عوام جامعه به راحتی مجموعه نیازهای آن‌ها را احصا می‌کنند و با توجه به این نیازها برای کسب قدرت برنامه ریزی می‌نمایند. علاوه بر این تشکیلات حزبی گستره‌ای از مطالبات مردمی را در اختیار قدرت حاکم قرار

می‌دهد تا تصمیماتی مطابق با خواست ملت اتخاذ گردد. علت سپرده شدن این وظیفه مهم به احزاب پایگاه گسترده اجتماعی و اقتصادی آنها در میان جامعه و ارتباطات وسیع با مردم است. از سوی دیگر مطالبات مردم در جامعه در طیف بسیار وسیع، پراکنده و بعضاً مغایری قرار می‌گیرد که تصمیم سازی براساس همه خواسته‌ها غیر ممکن به نظر می‌رسد. لذا برای دولت‌ها ضروری است تا با اولویت دهی منطقی به نیازهای مردمی بودجه عمومی را در راستای خواسته‌های با اهمیت تر هزینه نمایند. در همین راستا احزاب با ارتباط گیری با مردم به عنوان حلقه واسط میان حکومت و جامعه؛ می‌توانند با دسته بندی و اولویت دهی به تقاضاهای اجتماعی حکومت را در اتخاذ صحیح‌ترین تصمیم یاری نمایند. نتیجه چنین ارتباطی اولاً کاهش تصمیمات اشتباه و مغایر با نیازهای عمومی است چرا که پایگاه‌های مردمی حزب تصمیم گیران را از حقایق موجود در جامعه مطلع می‌نماید و ثانیاً موجب کاهش سرعت تصمیم گیری در مواقع حساس و بحرانی می‌گردد. (وحیدیان، ۱۳۸۹، ۴-۱۴)

۲-۲- نقد به حکومت:

در نظام‌هایی که احزاب جایگاه ویژه و حضور فعالی در عرصه سیاسی کشور دارند و امکان کسب قدرت از طریق رقابت‌های انتخاباتی برای آنها فراهم است، یکی از کارکردهای اصلی حزب نقد و بررسی گروه حاکم است. احزاب از یکسو به علت دیدی جامع و کلی نگر از قصور و تقصیرهای صورت گرفته در تصمیمات دولت آگاهی کامل دارند و از آنجا هدف کار تشکیلاتی احزاب کسب قدرت سیاسی در جامعه است نسبت به خطاهای حکومت سکوت نمی‌کنند و همه ارکان حاکمیت را مورد نقد و بررسی قرار می‌دهند. این امر خود عاملی جهت استحکام بیشتر جایگاه حزب در میان عموم مردم می‌گردد. (قاضی، ۱۳۸۸، ۳۲۵-۳۲۹) در راستای همین کارکرد، احزاب ضمن طبقه بندی مجموعه انتقادات موجود از دولت در سطح عموم جامعه، کارگزاران حکومت را بهتر نسبت به عیوب خویش واقف می‌دارند.

۲-۳- افزایش سطح دانش سیاسی جامعه:

از مهم‌ترین ویژگی‌های نظام‌های دموکراتیک اتکا به پشتوانه‌های مردمی است. به همین علت هرچه امکان حضور مردم در صحنه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی بیشتر باشد، نشانگر نزدیکی جامعه به اهداف طراحی شده است. اما این حضور زمانی ارزشمند و قابل توجه است که مبتنی بر آگاهی شهروندان باشد. حضور گسترده مردم در اعلام اعتقاد به

نظام حاکم مانند راهپیمایی‌ها و تظاهرات‌ها و یا زمینه‌های اعلام نظر مانند انتخابات‌ها؛ همگی نیازمند آگاهی عموم جامعه می‌باشد. این اهمیت تاحدی است که حضور ناآگاهانه مردم اساس مردم سالاری را زیر سؤال خواهد برد. احزاب در تحقق این هدف مهم دو نقش اساسی را بر عهده دارند؛ اولاً با برنامه ریزی منسجم جهت حضور مقتدرانه در انتخابات و ارائه برنامه‌های خود در دوران مبارزات انتخاباتی؛ اطلاعات لازم برای حضور آگاهانه شهروندان در انتخابات را در اختیار آن‌ها قرار می‌دهند. ثانیاً با استفاده از انواع ابزارهای ارتباط جمعی مانند تولید و توزیع روزنامه، کتاب و بولتن‌های خبری، تأسیس شبکه‌های تلویزیونی و سایت‌های خبری اینترنتی در راستای آگاه سازی مردم از جریان حرکت حکومت و برنامه‌های حزب اقدامی سازنده می‌نمایند. (عالم، ۱۳۹۰، ۳۴۸-۳۵۱)

۴-۲- نهادینه سازی ارزش‌های سیاسی

نظام‌های دموکراتیک به منظور آموزش و گسترش ارزش‌های سیاسی منطبق با تفکر مردم سالاری غرب، سالیانه هزینه‌های فراوانی را متحمل می‌شوند و از آن جا که این ارزش‌ها با سبک زندگی فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی مردم در ارتباط مستقیم و مستمر می‌باشد دارای اهمیت فراوانی است. از طرف دیگر تاریخ نشان می‌دهد تحمیل ارزش‌هایی که براساس مبانی تشکیل نظام به واسطه زور و قدرت حکومت‌ها به شهروندان اجبار می‌گردد بیشتر از آنکه دارای آثار مثبت در زندگی اجتماعی باشد موجب عکس العمل منفی مردم می‌گردد. درحالی که احزاب به عنوان نهادهای قانونی غیر حکومتی که دارای پایگاه‌های وسیع اجتماعی هستند، با ارتباط‌گیری صحیح با مردم و حکومت، بهترین نهاد برای آموزش زندگی در جامعه مردم سالار به حساب می‌آیند و با تمرین ارزش‌های مسلط بر جامعه با اعضای خود موجبات نهادینه شدن ارزش‌های سیاسی را با کمترین هزینه مالی و سیاسی فراهم می‌نمایند. (وحیدیان، ۱۳۸۹، ۴-۱۴)

۳- بررسی معایب احزاب سیاسی در نظام‌های دموکراتیک

احزاب سیاسی تأثیرات مثبت فراوانی در یک نظام سیاسی از خود به جایی می‌گذارند تا جایی که مفهوم حزب و مفهوم مردم سالاری به یکدیگر گره خورده است و فرض یکی بدون دیگری سخت به نظر می‌رسد؛ با این وجود احزاب دارای معایب غیر قابل چشم پوشی نیز می‌باشند که آثار منفی فراوانی بر فعالیت‌های سیاسی در یک جامعه دارد. بررسی این نقایص می‌تواند درک درستی از آثار این تشکلات در نظام‌های دموکراتیک را به نمایش بگذارد تا نهایتاً مشخص گردد که آیا در عمل تشکیلات حزبی می‌تواند با

استفاده از تمام ظرفیت‌های خود کارکردهای مثبت ایجاد تشکیلات سیاسی در جامعه را به منصف ظهور بگذارد یا خیر؟

۱-۳- قدرت طلبی

یکی از ویژگی‌های مشترک میان همه احزاب سیاسی و مهم‌ترین هدف ایجاد تشکیلات حزبی در جوامع امروزی کسب یا حفظ قدرت سیاسی از راه‌های مسالمت آمیز و حضور در صحنه‌های انتخاباتی است. احزاب سیاسی تمام هم و تلاش خود را مصروف بر در اختیار گرفتن قدرت سیاسی می‌نمایند و حزب وسیله‌ای برای رسیدن و یا حفظ این آرمان می‌باشد. قدرت نهایت آرزو و آمال دست اندرکاران حزب است و به عبارت دقیق‌تر قدرت شاه بیت و محور اصلی احزاب محسوب می‌شود. در مقابل اصلی‌ترین نقیصه و مهم‌ترین عیب تحزب‌گرایی همین قدرت طلبی می‌باشد. از نظر تفکر اسلامی بزرگ‌ترین نقطه ضعف یک حزب، حرکت در مسیر کسب قدرت سیاسی نامشروع است.

لذا شایسته است ابتدا ضمن بررسی نظر قرآن کریم و روایات معصومین (علیهم السلام) پیرامون قدرت طلبی به آثار فردی و اجتماعی این پدیده به عنوان مسیر اصلی حرکت احزاب سیاسی پرداخت. از دیدگاه دین مبین اسلام میل به قدرت از گرایش‌های فطری، درونی و قوی در وجود انسان است که به رفتارهای او جهت می‌دهد. یکی از خصوصیات این حس در انسان عدم اشباع پذیری است به عبارت دیگر هنگامی که میل به قدرت طلبی در درون انسان شعله ور گردد هرگز رکود و خاموشی نخواهد داشت و هر محیطی را برای ارضای امیال خود مناسب ببیند اقدام می‌نماید. یکی از مظاهر بارز قدرت طلبی در عرصه‌های اجتماعی می‌باشد. در تبیین این مطلب باید اشاره نمود؛ که انسان موجودی نفع طلب و زیاده خواه می‌باشد. به این معنا که علاقه دارد همه چیز در خدمت منافع او قرار گیرد و در اثر چنین نگاهی مبتلا به مطلق‌نگری می‌شود و خود را مستغنی از هر عاملی می‌بیند و در نتیجه سر بر طغیان بر می‌آورد و بنابر آیات کریمه قرآن مجید استغناء شروع سرکشی و بدبختی انسان در دنیای مادی و زندگی اخروی می‌باشد^۱.

قرآن کریم سرکشی و طغیان انسان را که خود مولود زیاده خواهی و قدرت طلبی می‌باشد؛ از علل اصلی کفر و دوری از پرستش خداوند متعال می‌داند. قدرت طلبی ریشه‌ی در هواهای نفسانی دارد و نهایتاً منتج به سرکشی و طغیان می‌گردد که خود آغاز تباهی فردی و به فساد کشاندن زندگی اجتماعی است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲۰، ۵۵۰ و ۵۵۱). از منظر دیگر امام خمینی (ره) با تفکیک میان قدرت و قدرت طلبی؛ قدرت را خیر و کمالی خدادادی در وجود انسان‌ها می‌داند که توانایی در برابر عجز و ناتوانی است اما

قدرت طلبی را ناشی از حب نفس و بسیار مذموم می‌داند وی در بیان ریشه‌های مذمت قدرت طلبی انسان به تبیین این نکته می‌پردازد که قدرت طلبی خواست قدرت برای نفس قدرت است که منشأ حب جاه می‌باشد و در روایات فراوانی عامل شقاوت و بدبختی اشرف مخلوقات معرفی گردیده است. (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۸، ۱۵۵) در نتیجه کسب و یا حفظ قدرت نامشروع به عنوان اصلی‌ترین برنامه احزاب سیاسی موجب ایجاد روحیه استغنا و سرکشی از حق و تبعیت از هواهای نفسانی می‌گردد.

در پایان لازم به ذکر است که گاهی تشکیلات احزاب اسلامی نیز در راستای کسب قدرت حرکت نموده اما هرگز کسب قدرت هدف اصلی آن قرار نمی‌گیرد. به عبارت دیگر احزاب اسلامی در روند حرکت خود گاهی بر مبنای انجام وظیفه شرعی در عرصه های انتخاباتی وارد می‌گردند اما هیچ‌گاه آمال و آرزوی نهایی آن‌ها کسب و حفظ قدرت سیاسی نیست.

۲-۳- چرخش قدرت در محدوده احزاب سیاسی:

یکی از شعارهای همیشگی نظام‌های دموکراتیک که بر مبنای ایده مردم‌سالاری مطرح می‌گردد، توجه به آرا عمومی و نقش آن‌ها در تعیین سرنوشت خود است. در حالی که در نظام‌های حزبی رقابت‌های انتخاباتی محدود به احزاب می‌گردد، قدرت در میان عده‌ی معینی از افراد جامعه چرخش دارد و مردم در طول زمان در حاشیه قرار می‌گیرند. به عبارت دیگر گسترش نظام حزبی در جامعه مشارکت عمومی را کاهش می‌دهد و موجب بی‌تفاوتی مردم نسبت به امور سیاسی می‌گردد. این امر معلول تبدیل سیاست به حرفه ای در اختیار عده ای خاص در احزاب است و تنها افراد آموزش دیده و متخصص و ماهر در بازی قدرت که در احزاب تربیت شده‌اند با قواعد آن آشنایی دارند و دیگران قادر به بازی در این میدان نیستند. نهایتاً تأثیر گذاری مردم بر سرنوشت خود به نحو گسترده کاهش می‌یابد.

۳-۳- تأثیر پذیری گسترده از کانون‌های ثروت

همان‌گونه که در بخش‌های قبل اشاره گردید احزاب بهترین راهکار کسب قدرت را رقابت‌های مسالمت آمیز و حضور در صحنه انتخابات می‌دانند. آن‌ها به جای برنامه ریزی برای برهم زدن نظم سیاسی موجود به دنبال بازی در صحنه طراحی شده به وسیله قانون هستند. حضور احزاب در این میدان و جلب مشارکت عمومی در راستای تحقق هدف پیروزی در انتخابات و کسب کرسی‌های تصمیم‌گیری نیازمند آموزش افرادی جهت ارائه

صحیح برنامه‌های حزب و تبلیغات گسترده در دوره رقابت‌های انتخاباتی می‌باشد که مستلزم تحمیل بار مالی قابل توجهی به احزاب سیاسی است. به این هزینه‌ها می‌بایست هزینه‌های روزمره احزاب را نیز اضافه نمود. اما از آنجا که آن‌ها معمولاً منبع درآمد مشخصی ندارند و حکومت‌ها هم بسته به جایگاه احزاب سیاسی در جامعه تنها بخشی از آن هزینه‌ها را تأمین می‌کنند فلذا احزاب برای تأمین منابع اعتباری مورد نیاز خود اقدام به ارتباط گسترده با کانون‌های ثروت می‌نمایند و این کانون‌ها بعد از پیروزی حزب در رقابت‌های انتخاباتی به دنبال جبران هزینه‌های انجام شده از راه‌های فرا قانونی هستند که نتیجتاً منجر به دوری احزاب از کارکردهای اصلی خود و تبدیل آن‌ها به معرکه‌ای برای قدرت‌نمایی کارتل‌های اقتصادی می‌گردد.

لازم به ذکر است که معایب موجود در تفکر احزاب سیاسی در جوامع دموکراتیک مانع از تحقق وظایف و کارکردهای صحیح آن‌ها در جامعه می‌گردد و عملاً به جای ایجاد حلقه‌های واسط میان مردم و حکومت؛ کانون‌های قدرت و ثروت رشد می‌یابند و با توسعه این مفهوم از میزان تأثیر گذاری مردم در نظام اجتماعی به نحو چشم‌گیری کاسته می‌شود.

۴- دیدگاه اندیشمندان اسلامی نسبت به احزاب سیاسی

اکنون که مفهوم و کارکردها و مزایا و معایب احزاب سیاسی در نظام‌های مبتنی بر تفکر لیبرال دموکراسی روشن گردید، نوبت به آن می‌رسد که بر مبنای تعاریف ارائه شده، جایگاه احزاب سیاسی در حکومت اسلامی مورد مطالعه قرار گیرد. از همین رو می‌توان با نگاهی کلی به مجموعه‌ی نظریات فقهی مطرح پیرامون احزاب سیاسی در حکومت اسلامی چهار نظریه‌ی را احصاء نمود.

بر اساس نظریه‌ی اول ایجاد احزاب و تشکّل‌ها در حکومت اسلامی مغایر با آموزه‌های شریعت اسلام می‌باشد. فائیلین به این نظریه‌ی که بیشتر به فقهای اهل سنت منتسب می‌باشد با ذکر دلایلی مانند رواج تفرقه و تباهی در میان امت اسلامی از طریق احزاب متعدد، تعارض میان جانبداری‌های حزبی با آموزه‌های اسلامی و آزادی عقاید فردی، فقدان سابقه‌ی تحزب در صدر اسلام و عدم توجه به آن در مبنای کلامی و فقهی و خاستگاه انسان‌گرایانه و غیر دینی احزاب و تشکّل‌ها به عنوان پدیده‌ی منتسب به نظام‌های غیر دینی تشکیل تشکّل‌ها و احزاب متعدد را مغیر با اصول شرعی می‌پندارند. (اخوان کاظمی، ۱۳۸۸، ۱۹-۲۱؛ فیرحی، ۱۳۷۷، ۱۴۵)

دسته‌ی دوم تشکّل‌ها و احزاب معاصر را مترادف با مفهوم قرآنی آن می‌دانند و معتقدند

مجموعه‌ی تشکیلاتی که در صدر اسلام به وسیله‌ی مسلمانان ایجاد گردید، مویدی برای آزادی فعالیت تشکّل‌ها محسوب می‌شود (علایی، ۱۳۷۲، ج ۲، ۱۲۳) و بر این باورند که پیشوایان معصوم نه تنها کمترین مخالفتی با مجموعه‌ی کار تشکیلاتی نکرده‌اند بلکه خود تقویت کننده و مروج فعالیت آن‌ها بوده‌اند. (شیرازی، ۱۴۰۳، ۳۷۵)

دسته‌ی سوم که گروهی از نواندیشان اسلامی می‌باشند معتقدند که تشکّل‌ها و احزاب معاصر مغایرتی با آموزه‌های شریعت اسلام ندارد. مبانی استدلالی این گروه بیش از هر چیز به ادله‌ی عقلی مانند کارکردهای مثبت احزاب و تفوق منافع آن بر مضراتش، ابزاری برای نظارت بر قدرت و افزایش مشارکت مردمی، عملکرد قابل توجه احزاب به عنوان سیره عقلا و مصلحت عقلی باز می‌گردد. (اخوان کاظمی، ۱۳۸۸، ۲۸-۳۵) از این گروه می‌توان به عنوان موافقان بی قید و شرط آزادی تشکّل‌ها و احزاب نام برد.

گروه چهارم از مجموعه فقهای تشکیلی می‌گردد که بر این باورند تشکیل احزاب و تشکّل‌ها در منابع شرعی مورد توصیه قرار گرفته است و حتی در مواردی متناسب با اهداف فعالیت مانند امر به معروف و نهی از منکر و جهاد، ایجاد تشکیلات از نظر شرعی واجب تلقی می‌گردد. این در حالی است که قائلین به این نظریه بر خلاف موافقان بی قید و شرط آزادی تشکّل‌ها بر این باورند که آزادی تشکّل‌ها به ویژه احزاب مطابق با اندیشه‌ی غربی دارای نقاط ضعفی مانند قدرت طلبی، چرخش قدرت میان گروهی خاص و ارتباطات گسترده احزاب با کانون‌های قدرت و ثروت می‌باشد که تحقق آن نتیجه‌ای جز تباهی حکومت‌ها را در پی نخواهد داشت. بر اساس این تفکر اصلی‌ترین هدف و وظیفه‌ی احزاب در حکومت اسلامی کارآمد سازی نظام محسوب می‌گردد. (کعبی، ۱۳۸۷، ۱۳۶-۱۴۶)

در نتیجه از بررسی مجموعه مبانی و ادله‌ی فوق در موضوع آزادی فعالیت تشکّل‌ها در حکومت اسلامی بر می‌آید که هر چند نمونه‌هایی از فعالیت‌های تشکیلاتی در طول تاریخ اسلام ملاحظه می‌گردد؛^۲ اما مفهوم امروزی آزادی تشکّل‌ها مطابق با آنچه در تعاریف مرسوم حقوقی بیان می‌شود از مجموعه مستحدثات جامعه‌ی اسلامی به حساب می‌آید. بر این مبنا در صورتی که تشکّل‌ها موجب رشد، بالندگی و کارآمدی نظام اسلامی گردد می‌تواند به عنوان پدیده‌ای مطلوب به پیشرفت نظام اسلامی کمک نمایند و در صورتی که محملی برای قدرت‌طلبی مذموم و تفرقه و جدایی میان گروه‌های مختلف امت اسلامی باشد؛ پدیده‌ای نامطلوب و غیر قابل پذیرش تلقی می‌گردد. مقام معظم رهبری در مقام تبیین و تفکیک این دو گونه نگرش نسبت به آزادی تشکّل‌ها و تمایز آن‌ها از

یکدیگر بیان می‌فرمایند: «من در یک تقسیم‌بندی، حزب را به دو نوع تقسیم می‌کنم: یک حزب این است که مجموعه‌ای از صاحبان فکر سیاسی یا اعتقادی و یا ایمانی می‌نشینند و تشکلی درست می‌کنند و میان خودشان و آحاد مردم کانال‌کشی می‌کنند و مردمی را با خودشان همراه می‌کنند، تا فکر خود را به آن‌ها برسانند. کانون‌های حزبی تشکیل می‌شود، هسته‌های حزبی تشکیل می‌شود، سلول‌های حزبی تشکیل می‌شود و این‌ها در این مرکز می‌نشینند و افکاری را که خودشان به آن اعتقاد دارند و پای آن ایستاده‌اند - چه فکر سیاسی، چه فکر غیرسیاسی، چه فکر دینی، چه فکر غیردینی - در این کانال‌ها می‌ریزند و این افکار به تک‌تک افراد می‌رسد و آن مردمی که این‌ها را قبول می‌کنند، با این‌ها پیوند پیدا می‌کنند. به نظر من، این سبک تحزب، منطقی است. یک‌طور حزب هم هست که همان حزب‌های رایج امروز اروپا و امریکا است؛ مثل حزب جمهوری‌خواه، حزب دمکرات، حزب کارگر انگلیس، حزب محافظه‌کار انگلیس.»^۳ ایشان می‌فرمایند: «احزاب کنونی غربی به معنای باشگاه‌هایی برای کسب قدرت است؛ اصلاً حزب یعنی مجموعه‌ای برای کسب قدرت. یک گروهی با هم همراه می‌شوند، از سرمایه و پول و امکانات مالی خودشان بهره‌مند می‌شوند، یا از دیگران کسب می‌کنند، یا بند و بسته‌ای سیاسی می‌کنند، برای اینکه به قدرت برسند. یک گروه هم رقیب این‌هاست؛ کارهای مشابه این‌ها را انجام می‌دهد تا آن‌ها را از قدرت پایین بکشد، خودش بشود جایگزین. الان احزاب در دنیا غالباً اینگونه‌اند. ... من این‌چور حزبی را تأیید نمی‌کنم»^۴

۴- ویژگی‌های احزاب در حکومت‌های اسلامی

با توجه به نظریه‌ی مختار در خصوص مبنای فقهی تشکیل احزاب سیاسی که آن را یکی از موضوعات مستجدته‌ی نظام اسلامی بر می‌شمرد می‌توان اصلی‌ترین خصوصیات احزاب سیاسی در حکومت اسلامی را چنین دانست:

۴-۱- کارآمدی:

از آنجا که هدف از تشکیل احزاب براساس تفکر غربی کسب قدرت است و این مساله از نظر اسلام انحراف اساسی به شمار می‌رود به همین دلیل باید به دنبال راهکاری جهت رهایی از این مشکل بود. در نظام اسلامی مشروعیت بخشی به حاکمیت نظام از طریق احزاب انجام نمی‌شود. قدرت و مشروعیت در ید ولی منصوب از جانب خداوند می‌باشد که در دوره غیبت در اختیار ولی فقیه قرار گرفته است و براساس معیارهای الهی توسط عده‌ای از کارشناسان متدین انتخاب می‌گردد. به این ترتیب معیار اصلی مشروعیت

قدرت در نظام اسلامی ولایت است و احزاب در تحقق مشروعیت مداخلیتی ندارند. در دیدگاه اسلامی می‌بایست به جای تعریف احزاب بر اساس قاعده قدرت، تشکیلات را بر اساس مبنای کار آمدی تعریف نمود. در نظام اسلامی کار آمد سازی نظام، توانمند سازی مردم و بالابردن ایمان و ارزش‌های دینی معیار اصلی تشکیل احزاب به شمار می‌رود. حزب در نظام اسلامی تشکلی است که بر اساس اساسنامه شکل می‌گیرد و در سطح ملی فعالیت می‌کند و در عرصه‌های انتخاباتی نیز وارد می‌شود، اما همه این امور با هدف کار آمد سازی نظام صورت می‌گیرد نه کسب قدرت. حزب اسلامی با هدف شناسایی نقاط ضعف و تلاش در جهت رفع آن اقدام به ایجاد تشکیلات سیاسی - اجتماعی می‌کند. به عبارت دیگر منهای قدرت طلبی احزاب در نظام‌های مبتنی بر دموکراسی که در تشکیلات اسلامی جایگاهی ندارد، اصلی‌ترین ویژگی‌های احزاب سکولار در احزاب اسلامی هم قابل تصور است. فلذا سر مشق اصلی ویژگی تشکیل احزاب از نظر قرآنی آیه شریفه قرآن می‌باشد که می‌فرماید:

«آن سرای آخرت را برای کسانی قرار می‌دهیم که در زمین خواستار برتری و فساد نیستند و فرجام [خوش] از آن پرهیزگاران است.»^۵

۲-۴- تعیین معیار تقوا و ایمان جهت عضویت در احزاب:

اعضای احزاب اسلامی بر اساس باور به ارزش‌های مسلم دینی مانند ایمان به خداوند و پرهیز از او در کنار یکدیگر جمع می‌گردند. حزب اسلامی مبتنی بر ایمان و تقوا و تعهد و رعایت حلال و حرام الهی است و معیار عمل آن‌ها شریعت اسلامی است. استعمال قرآن کریم از واژه حزب نشانگر وجود وحدت عقیده و هدف در میان اعضای آن است: "از عبارت آیهی [أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ] پیداست که حزب الله و انصار خدا در صورتی است که دارای هدف واحد و ایمان واحد باشند." (قرشی، ۱۴۱۲، ج ۲، ۱۲۶) علاوه بر این سلسله مراتب در تشکیلات و ساختار حزب نیز بر مبنای معیارها و شاخصه‌های الهی تشخیص داده می‌شود. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۹، ۱۵۹)

۳-۴- تشکیل احزاب بر اساس وظیفه منجز شرعی:

از ویژگی‌های مهم کار تشکیلاتی در اسلام داشتن هدف معین و منجز است. احزاب اسلامی بر اساس اهداف انتزاعی و کلی شکل نمی‌گیرند بلکه از پیش شرط‌های اساسی شکل‌های اسلامی مشخص بودن اهداف است به نحوی که همه فعالیت‌ها در راستای اهداف جزئی قابل دستیابی صورت می‌پذیرد. از این رو باید اهداف به عنوان وظیفه

شرعی منجز و معین بر عهده هر شخص عضو قرار بگیرد و تحقق آن اهداف بدون ایجاد تشکل غیر ممکن باشد.

۴-۴-ولایی بودن احزاب:

شاخص قدرت در نظام اسلامی ولی فقیه است و معیارهای قدرت از طریق ولایت مشخص می‌گردد و لذا از آن جا که احزاب در حیطه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی تأثیر گذارند و در امور مربوط به جان و مال و عرض و آبروی عمومی و مصالح اجتماعی نظر و اجازه ولی فقیه نافذ است، احزابی که در نظام اسلامی تشکیل می‌گردد در صورتی که منقطع از ولی فقیه باشد دارای مشروعیت نمی‌باشند.

۴-۵-مرجع بودن وظایف دینی برحزبی:

از آنجا که در نظام‌های سکولار هدف از ایجاد تشکیلات کسب قدرت است، همواره ملاک‌های حزبی بر ملاک‌های ارزشی ارجحیت دارد، اما در مقابل در تشکیلات اسلامی هدف کسب قدرت نیست بلکه تربیت نیرو و کار آمد سازی نظام است. به همین دلیل حکم اولیه ارجحیت انتخاب اصلح به عنوان وظیفه ای الهی در همه موارد لازم الرعایه است و بر انتخاب مبتنی بر منافع حزبی مرجح است. به عبارت دیگر در احزاب اسلامی تشخیص فردی و عمل به وظیفه شرعی در انتخاب اصلح بر همه چیز حتی انضباط حزبی مقدم می‌باشد.

نتیجه‌گیری

احزاب سیاسی به معنای مجموعه افرادی که بر مبنای اساسنامه و مرامنامه ای ملی و کلان نگر دور یکدیگر جمع می گردند و به دنبال دستیابی به قدرت سیاسی و یا حفظ قدرت مذکور از طریق ساز و کارهای انتخاباتی و جلب مشارکت عمومی می باشند در نظم سیاسی معاصر و در بسیاری از نظام های دموکراتیک دارای تاثیرات فراوانی هستند. نقش مثبت این تشکیلات در عرصه های مختلف قابل توجه می باشد و به عنوان نهاد های غیر دولتی تاسیس شده به واسطه قانون اساسی حلقه واسط میان مردم و دولت به حساب می آیند این در حالی است که احزاب سیاسی با وجود توانایی های بالقوه برای تاثیر گذاری مثبت در نظام اجتماعی به علل گوناگونی از مسیر اصلی خود خارج می گردند و در عمل کارکردهای منفی آن ها به منصفه ظهور می رسد. نقش قدرت طلبی در کارکردهای حزب و نفی این تفکر در اندیشه اسلام ناب مهم ترین ایراد وارده بر احزاب سیاسی در نظام های دموکراتیک می باشد. اما در مقابل بر اساس کلیات شرعیت اسلامی و مذاقه در منابع شرعی می توان شاخصه هایی را برای تشکیلات اسلامی در جامعه متصور شد که مطلوب نظر شارع مقدس می باشد، تحقق بندگی خداوند در عرصه های فردی و اجتماعی را سهل الوصول می نماید و از آفات احزاب در نظام های دموکراتیک نیز مصون است. مجموعه ویژگی های تشکیلات سیاسی در اسلام از آثار مخرب حزب غربی دور است و نقش تربیت نیروهای سالم و صالح برای نظام اسلامی را برعهده دارند.

۱۲۸

دوفصلنامه مطالعات
حقوق بشر اسلامی

سال چهارم، شماره نهم، پاییز و زمستان ۱۳۹۴

یادداشت‌ها

۱- إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَافٍ (انسان همی که خود را بی نیاز می پندارد طغیان می کند!) (علق- ۶ و ۷))

۲- برای نمونه می توان به پیمان حلف الفضول در زمان زندگی پیامبر اکرم به عنوان یکی از اقدام مشترک جمعی با هدف معین (ابن هشام، ۱۳۷۵، ج ۱: ۸۸) و پیمان شرطه الخمیس در دوره ی امیر المومنین (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۲: ۱۵۲) و شبکه ی کانون وکلا در عهد امام هادی و امام حسن عسگری اشاره نمود. که با وجود داشتن خصوصیتی از کار تشکیلاتی اما تشکل به مفهوم امروزی آن محسوب نمی گردید. مثلاً در خصوص شرطه الخمیس در تاریخ نقل شده است: «شرطه الخمیس» چند هزار نفر از افراد تحت فرمان حضرت علی (ع) بودند که با حضرت عهد بستند تا پای مرگ در رکابش باشند. در روایتی آمده که از اصبح بن نباته (فرمانده شرطه الخمیس و یار وفادار امام علی (ع) پرسیدند: چرا «شرطه الخمیس» نام گرفتید؟ گفت: ما کشتن دشمن را ضمانت می کردیم و آن حضرت پیروزی و بهشت را برای ما ضمانت می کرد (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۲: ۱۸۱). از مجموع گزارش های تاریخی بر می آید که «شرطه الخمیس» دارای ویژگی های ذیل بوده است: ۱. همیشه مسلح، آماده و همراه امام بودند؛ ۲. در جنگها پیشرو سپاه بودند؛ ۳. همیشه گوش به فرمان و آماده بودند و در اجرای فرمان امام (ع)، چون و چرا و تعلل نمی کردند؛ ۴. با آن حضرت بر مرگ خود بیعت کرده بودند (یا پیروزی یا مرگ)؛ ۵. مردانی وارسته، فرهیخته و با تقوا بودند؛ ۶. از قبایل مختلف بودند؛ ۷. در غیر زمان جنگ نیز آماده و همراه امام بودند و ماءموریت های مهم و ویژه های (چون اجرای حدود) به عهده ی آنان بود. درباره تعداد «شرطه الخمیس» که در حقیقت فداییان حضرت بودند، آمارهای مختلفی ارائه شده است. اما در برخی نقل-های مستند تعداد آنان را بین پنج تا شش هزار نفر ذکر کرده اند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۲: ۱۵۲)

۳- بیانات در جلسه پرسش و پاسخ مدیران مسئول و سر دبیران نشریات دانشجویی ۱۳۷۷/۱۲/۰۴

۴- بیانات در دیدار دانشجویان کرمانشاه ۱۳۹۰/۰۷/۲۴

۵- قصص: ۸۳ (تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ)

۶- مجادله: ۲۲ (آنان حزب خدا هستند، آگاه باشید که تنها حزب خدا پیروز و رستگارند)

۱۲۹

دوفصلنامه مطالعات
حقوق بشر اسلامی

پیش
کمی و همکار
نقش و جایگاه اجزای سیاسی در حکومت اسلامی

منابع

- ابن هشام (۱۳۷۵)، *زندگانی محمد (ص) پیامبر اسلام (السيرة النبوية)*، ترجمه سید هاشم رسولی، تهران: انتشارات کتابچی.
- اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۸)، «حزب و تحزب در اندیشه اسلامی»، *فصلنامه مطالعات اسلامی*، سال ۱۱، شماره ۴۲.
- آریانپور کاشانی، عباس (۱۳۷۲)، *فرهنگ کامل انگلیسی به فارسی*، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- ایوبی، حجت الله (۱۳۷۹)، *پیدایی و پایایی احزاب سیاسی در غرب*، تهران: انتشارات سروش.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۱)، *مبسوط در ترمینولوژی حقوق*، تهران: کتابخانه گنج دانش.
- خمینی، سید روح الله (۱۳۷۸)، *صحیفه امام*، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ج ۲۲.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، *لغتنامه دهخدا*، تهران: دانشگاه تهران.
- ذوالفقاری، محمد (۱۳۹۱)، *حزب از منظر اندیشه سیاسی اسلامی* (رویکرد کلامی، فقهی و فلسفی)، معرفت، (۴۷-۶۸).
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، *مفردات ألفاظ القرآن*، بیروت: دارالعلم الدار الشامیة.
- شیرازی، سید محمد (۱۴۰۳)، *الفقه السياسي فی الاسلام*، تهران: چاپخانه رضایی.

- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۴)، *تفسیر المیزان*، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

- عالم، عبد الرحمن (۱۳۹۰)، بنیادهای علم سیاست، تهران: نشر نی.

- العلابی، عبدالله (۱۳۷۴)، *برترین هدف در برترین نهاد*، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد، ج ۲.

- علی بابایی، غلامرضا (۱۳۸۳)، *فرهنگ سیاسی*، تهران: نشر آسیان.

- فیرحی، داوود (۱۳۷۷)، «مبانی آزادی و حزب در مذهب شیعه»، *فصلنامه علوم سیاسی*، (۱۳۳-۱۴۹).

- قاضی، ابوالفضل (۱۳۸۸)، *بایسته‌های حقوق اساسی*، تهران: انتشارات میزان.

- قرشی، سیدعلی اکبر (۱۴۱۲ق)، *قاموس قرآن*، تهران: دار الکتب الإسلامية.

- کعبی، عباس (۱۳۸۷)، *فرآیند تربیت نیرو در نظام اسلامی (دولت اقدام)*، تهران: مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری.

- مجلسی، محمد باقر بن محمدتقی (۱۴۰۳ق)، *بحار الأنوار*، بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ دوم.

- محمدی نژاد، حسن (۱۳۵۵)، *احزاب سیاسی*، تهران: امیر کبیر.

- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۹)، *احکام فقهی تحزب اسلامی*، تهران: اندیشه ناب.

- نقیب زاده، احمد و غلامعلی سلیمانی (۱۳۸۸)، «نوسازی سیاسی و شکل گیری احزاب در جمهوری اسلامی ایران (بر اساس رویکرد هانتینگتون)»، *فصلنامه علوم سیاسی*، ش ۴، (۳۴۷ - ۳۶۸).

- وحیدیان، امیر (۱۳۸۹)، «کارکردهای احزاب و آسیب شناسی آن در ایران»، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل ۱۰۲۳۳، ۱۳۸۹.

- پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی سید علی خامنه‌ای (مد ظله العالی) به آدرس: www.khamenei.ir

- پایگاه اطلاع رسانی حجت‌الله ایوبی به آدرس www.ayyooobi.com



پښتونستان ښار علمي او مطالعاتي مرکز
پرتال جامع علوم انساني